

## عصر دعوت یا آغاز فرهنگ و تمدن اسلام

### دکتر حمیدرضا صفا کیش

استاد گروه تاریخ، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

### طیبه کاظمی ایبازنی

دانشجوی دکتری تاریخ، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

tka\_kaz@yahoo.com

### چکیده

دعوت پیام آوران الهی به دین و مکتب توحیدی سبب بیداری انسان می گردد، و انسانهای فراوانی را به خود جلب می کند، انبیاء، پیام خداوند را از طریق وحی دریافت می کردند و سپس به تبلیغ آن مبادرت می ورزیدند و قلب ها را به تسخیر خویش در می آوردند، «ان الکلام اذا خرج من القلب دخل فی القلب» هرگاه سخنی از قلب بیان شود، لاجرم بر دل خواهد نشست. تبلیغ و دعوت سطحی دارای اثری پایدار و عمیق نخواهد بود.

کار پیامبران(ع) فراخوانی به محتوای کتاب و دعوت خویش است و هدف آن رستگاری بشر و راهیابی انسان به صراط مستقیم است، از این رو مسئله ی دعوت در ادیان ابراهیمی از اهمیت فراوانی برخوردار است.

اسلام در شبه جزیره عربستان ظهور کرد و ابلاغ آن توسط محمد بن عبدالله (ص) انجام شد، پیامبر (ص) از آغازین لحظه های دعوت برای نشر اهداف و اندیشه ها و تعالیم خویش از راهبرد و سیاست واحد تبعیت می کرد تا بتواند اصول و عقاید دین اسلام را به خوبی ابلاغ و عملاً در سطوح جامعه های انسانی پیاده نماید. پیامبر بزرگوار اسلام (ص) و یاران خاص ایشان، با تحمل رنج‌هایی فراوان، به کالبد بی‌جان جامعه خویش روح دین را دمیدند، روشی را که پیامبر (ص) برای دعوت مردم به اسلام و تبلیغ رسالت خود در پیش گرفت توانست از مردم یکی از عظیم‌ترین تمدن‌های بشری را به وجود آورد،

آنچه باعث تامل است چگونگی دعوت خاتم الانبیاء (ص) است که با چه شیوه و روشی توفیق یافت چنان تحول عظیمی در سبک زندگی بشر پدید آورد.

مراحل دعوت پیامبر(ص) در مکه عبارت بود از: ۱- مرحله آغاز رسالت ۲- مرحله دعوت مخفی(محدود) ۳- مرحله دعوت گسترده و شروع ارتباط گروهی تا هجرت به حبشه ۴- مرحله پس از هجرت گروهی مسلمانان به حبشه تا هجرت به مدینه. نگارنده در این پژوهش از روش تحقیقی-توصیفی و گردآوری اطلاعات به شکل کتابخانه ای استفاده کرده است.

**واژگان کلیدی:** دعوت، دین اسلام، پیامبر(ص)، تبلیغ، رسالت، شبه جزیره عربستان



کار انبیاء ارشاد، تبلیغ و دعوت مردم به صراط مستقیم و رستگاری است. در دین توحیدی، دعوت مردم و رساندن پیام خداوند، یک تکلیف و عهد و میثاق الهی است که از پیامبران گرفته شده است. حضرت علی (ع) می فرماید: «خداوند سبحان از فرزندان آدم(ع) پیامبران را برگزید و از آنان بر وحی و تبلیغ رسالت پیمان گرفت». دین جهانی و همگانی اسلام با روش خاص خود به فراخوانی و پیام رسانی پرداخته است. پیامبر اسلام (ص) از یک سو ابزار سنتی متداول میان اعراب و شیوه های بلاغت و شعر و خطابه را با دید اسلامی مورد توجه قرار داد و از دیگر سو با استفاده از روش ها و ابزارهای فرهنگی جدید و با نوآوری در محتوای دعوت همه جا در دل اقشار ملیت های مختلف نفوذ کرد، که عالی ترین ره آورد ارتباطی و تبلیغی را به همراه داشت، که فرهنگ، جهان و سرنوشت انسان را دگرگون ساخت، پیامبر اسلام (ص)، می خواهد همه ی عائله ی بشری را هدایت نماید. او پیامبر همه ی بشریت است و در صدد است افقی نو و تازه را فراروی انسان بگشاید. او می خواهد رسالت خویش را از افقی بسته به افقی باز و وسیع، که پنجره ای به همه ی تاریخ و همه ی جهان دارد، برساند. عمق رسالت پیامبر، عمقی شامل و کامل است یعنی بر همه ی بشریت تسری یافته است. شعاع تبلیغ پیامبر اسلام از حیث زمانی، تنها چهارده قرن است اما از حیث گستردگی همه کره ی خاکی را در نور دیده و از مرز یک میلیارد مسلمان فراتر رفته است و از جهت تاثیر، آن چنان نیرومند است که پیروان اسلام در هر شرایطی برای دفاع از باورهای دینی آماده اند. پیامبر به مکان تبلیغ توجه خاصی داشت. به عنوان مثال پیامبر در ایام حج، آیات قرآن را در کنار کعبه و حجر اسماعیل تلاوت و تبلیغ می کرد و همچنین به زمان تبلیغ و انتخاب به هنگام آن، عنایت داشت. مثلاً به مدت سه سال، تبلیغ پیامبر(ص) به صورت پنهانی انجام می گیرد و پس از گذشت آن شرایط زمانی و وارد شدن به زمان و شرایطی دیگر، دعوت علنی خویشاوندان به فرمان خداوند «و انذر عشیرتک الاقربین» و دعوت عمومی و علنی به فرمان خداوند «فاصدع بما توامر و اعرض عن المشرکین» انجام می گیرد و وقتی کفار از تبلیغ رسول خدا(ص) جلوگیری می کردند، حضرت از ماه های حرام استفاده می کرد و در بازارهایی مثل عکاظ، مجنه و ذی المجاز حاضر می شد، در بلندی می ایستاد و مردمی که برای مراسم حج آمده بودند، به دین اسلام دعوت می کرد به طوری که در سال ۱۱ بعثت شش تن از بزرگان شهر یثرب به اسلام ایمان آوردند و عامل انتقال اولیه اسلام به آن شهر شدند، در عقبه اول و دوم به تعداد ایمان آوردندگان اضافه شد و با رسول خدا (ص) پیمان بستند و زمینه هجرت به یثرب را فراهم کردند.

در این پژوهش سعی شده است در ابتدا به موقعیت جزیره العرب در آستانه ظهور و بعد به مراحل و چگونگی دعوت پیامبر(ص) پرداخته شود.

### شبه جزیره عربستان

شبه جزیره عربستان در منتهی الیه جنوب غربی قاره کهن آسیا به عنوان بزرگ‌ترین شبه جزیره جهان در محل تلاقی سه قاره آسیا، آفریقا و اروپا قرار دارد (پیرنیا/۱۳۸۳/۲۶۳، حتی/۲۱/۱۳۸۰، ابراهیم حسن/۱۳۹۲/۳۲) و از طرف شرق به خلیج فارس و دریای عمان، از جنوب به اقیانوس هند و خلیج عدن از غرب، به دریای سرخ و از شمال به دره فرات و سرزمین‌های سوریه و اردن منتهی می‌شود و تنها در حاشیه باریکی از سرزمین‌های اطراف آن در جنوب و نواحی کوهستانی اندکی باران می‌بارد، آب و هوای جزیره العرب گرم و خشک است و هیچ رود دائمی در سراسر آن یافت نمی‌شود. (حتی/۲۴/۱۳۸۰ مستوفی الممالکی/۲۶/۱۳۸۲-۲۲، شهیدی/۱۳۸۳-۱-۹، پیشوایی/۱۳۸۶-۲۳-۲۵). عربستان مسکن دیرینه اقوام سامی است (فیاض/۱۴/۱۳۸۲)، کلمه عرب به معنای بدوی و صحرا نشین است. بیشتر ساکنان این شبه جزیره را بادیه نشینان تشکیل می‌دادند که معیشت آنان از طریق پرورش معدودی بز و شتر تامین می‌شد (حتی/۳۳/۱۳۸۰، ابراهیم حسن/۱۳۹۲/۳۴)، شماری نیز شهرنشین بودند و در اندک شهرهای شبه جزیره به تجارت و کشاورزی اشتغال داشتند.

### نظام اجتماعی

زندگی در سرزمین عربستان به دلیل شرایط جغرافیایی و آب و هوای گرم و خشک، بسیار سخت و طاقت فرسا بود (واقدی/۲/۱۹۸۹/۵۷۵). شرایط سخت زندگی و محدودیت منابع طبیعی، خلق و خو و شکل زندگی ساکنان آن سرزمین تحت تاثیر قرار داده بود. زندگی اعراب شکل قبیله ای داشت.<sup>۱</sup> (جواد علی/۱۹۷۶/۴/۳۱۳-۳۲۰) افراد قبیله نسبت به یکدیگر و حفظ آداب و رسوم و مقررات قبیله تعصب و احساس مسئولیت ویژه ای داشتند و در مقابل از حمایت بی چون و چرای قبیله برخوردار بودند. (آلوسی/۱/۱۹۹۲/۱۴۰، بلاذری/۱/۱۹۵۹/۱۵۶-۱۹۷، طبقات الکبری/۳/۲۴۸، ابن ابی الحدید/۱۳/۱۹۶۱/۲۵۵). قبایل همواره با یکدیگر بر سر مسائل کوچک

<sup>۱</sup> - قبیله به مجموع خانواده هایی گفته می‌شد که با یکدیگر ارتباط خونی ونسی داشتند.

و بزرگ در جنگ و کشمکش به سر می بردند. جنگ های که گاه سال ها به طول می انجامید و جز گسترش کینه و تشدید خشونت و بی رحمی نتیجه دیگری نداشت<sup>۱</sup> (فروخ/۱۹۸۴/۷۷ - ۱۰۵، سوره اسراء، ۳۳، حتی/۱۹۷۴/۱۳۱، ن. پیگولوسکایا/۱۳۷۲/۵۵۱). ریش سفیدان قبیله از میان خود فردی را که به شجاعت، سخاوت و تدبیرشناخته شده بود به ریاست قبیله انتخاب می کردند. رئیس یا شیخ قبیله که مورد احترام همه افراد قبیله بود، ضمن برخورداری از امتیازاتی ویژه، با هر گونه خطا و سرپیچی افراد از مقررات و سنت های قبیله مقابله می کرد. (حتی/۱۳۶۶/۳۸ آلوسی/۱۹۹۲/۳/۱۸۷).

### کشته شدگان بی گناه

در جنگ های قبیله ای زنان بیش از مردان آسیب می دیدند و در جریان غارت قبیله شکست خورد، کشته شده یا به اسارت و بردگی گرفته می شدند که این خود عامل خفت قبیله شکست خورده تلقی می گردید. افزون بر آن به سبب اینکه زنان نمی توانستند مانند مردان بجنگند و از قبیله خود دفاع کنند، موجوداتی پست و ناچیز و عامل ننگ و بدنامی قبیله به شمار می آمدند. (سوره تکویر، ۸ و ۹) سنت دلخراش زنده به گور کردن نوزادان دختر (سوره نحل، ۵۹) هم به این دلایل در میان بسیاری از قبایل عرب رایج شد. زنان جز در برخی خانواده های سرشناس از حق مالکیت برخوردار نبودند. (علم الهدی، ۱۳۷۹ / ۱ / ۴۱ و ۴۲، سبحانی، ۱۳۷۶ / ۱ / ۴۸)

### ادبان رایج در شبه جزیره عربستان قبل از اسلام

خانه خدا در شهر مکه، یادگار حضرت ابراهیم (ع) پیامبر بزرگ الهی و فرزند او حضرت اسماعیل (ع) بود زندگی آنان به ترویج یکتا پرستی و مبارزه با شرک سپری گشت. ( بلاذری، ۱ / ۵۱، ابن اثیر ۲ / ۹). با گذشت زمان، از آیین و تعالیم ابراهیمی، جز خاطرات و برخی سنت ها نظیر زیارت کعبه چیزی باقی نماند. <sup>۲</sup> در آستانه بعثت رسول اکرم (ص) شمار معدودی از اعراب یکتا پرست و پیرو آیین ابراهیمی بودند و به روز رستاخیز ایمان داشتند. این عده که خود را حنفا می

---

<sup>۱</sup> - جنگ بعثت

<sup>۲</sup> - اعراب جاهلی به خدایی برتر به نام اعتقاد داشتند، اما بت ها رابه عنوان واسطه و شفیع تلقی میکردند که باعث نزدیکی آنها به خدایی بزرگ تر می شدند

نامیدند، بیشتر در شهر مکه سکنی یافته بودند و اکثریت مردم شبه جزیره پیرو عقاید دیگری بودند (مسعودی/۱۳۶۵/ج ۱/۶۰-۶۸، قاسمی / ۱۳۸۹ / ۲۰۴- ۲۰۵، فیاض/۱۳۸۲/۴۶، ابراهیم حسن/۶۵).

### شرک و بت پرستی

مهم ترین صفتی که قرآن به عرب عصر جاهلیت نسبت داده، شرک و پرستش بت های است که با دست خود می ساختند. (مائده، ۹۰، مریم ۸۱، ابن هشام /ج ۱/۷۶، طباطبایی/۲۰۰۲/۱۵۱/۴، فیاض/۱۳۸۲/۴۳) اعراب جاهلی به خدایی برتر به نام الله اعتقاد داشتند، اما بت ها را به عنوان واسطه یا شفیع تلقی می کردند که باعث نزدیکی آنها به خدایی بزرگ تر می شدند قرآن نیز به این باور خرافی اشاره کرده است (زمر /۴، حتی/۱۲۸/۱۳۸۰) هر قبيله بت های خود را داشت. اما برخی بت ها مانند لات<sup>۱</sup>، منات<sup>۲</sup> و عزى<sup>۳</sup> (کلبی، ۱۳۴۸/۹-۱۳، حتی ۱۳۸۰/۱۳۵-۱۲۷، ابراهیم حسن/۶۳) از جمله بت های مورد احترام غالب قبائل بودند، خانه خدا که مردم از سراسر شبه جزیره در ماه های حرام، برای زیارت آن به مکه می آمدند به بتخانه ای مملو از بت های رنگارنگ تبدیل شده بود.<sup>۴</sup> (اسماعیلی/۱۳۹۱/۴۵۳-۴۵۶، کلبی/۱۳۴۸/۲۳، بقره، ۲۱۷، مائده، ۲، توبه، ۵ و ۳۶، حتی/۱۳۸۰/۱۲۹-۱۳۰، ابراهیم حسن/۶۲، ۵۴). بت پرستان تقریباً همگی بی سواد و تابع بی چون چرای عقاید و سنت های خرافی بودند که در میان آنها رواج داشت. ( بلاذری/ فتوح البلدان ص ۴۵۷ و ۴۵۹)

### مسیحیت

مسیحیت از جنوب و شمال به داخل شبه جزیره راه یافته بود و در مناطقی چون یمن، نجران و حیره پیروانی داشت. دین مسیح ابتدا در میان اعراب ساکن در شام و عراق پیروانی یافت. سپس در میان اعراب بیابان نشین نیز به تبلیغ پرداختند. راهبان مسیحی در محل استراحت کاروان های

<sup>۱</sup> - خدای خورشید و مادر خدایان

<sup>۲</sup> - خدای سرنوشت و مرگ

<sup>۳</sup> - خداوند زهره

<sup>۴</sup> - چون جنگ های دائمی میان قبایل مانع رفت و آمد ایمن آنان به مکه و زیارت کعبه می شد، اعراب بر اساس سنتی کهن هر گونه جنگ و نزاع را در چهار ماه سال یعنی ذی القعدة، ذی الحجه، محرم و رجب ممنوع می دانستند و به آن ماه های حرام می گفتند این سنت پس از ظهور اسلام نیز به عنوان یک حکم دینی مورد تایید قرار گرفت

تجاری، عبادتکده هایی برای تبلیغ مسیحیت میان اعراب بر پا داشتند. (آینه‌وند/۱۳۶۲/۴۵، فیاض/۱۳۸۲/۴۶، محرمی/۱۳۹۳/۳۳، ابراهیم حسن/۶۴)

### یهودیت

کیش یهودی از قرن‌ها پیش از اسلام به داخل شبه‌جزیره نفوذ یافته بود و برخی از مناطق یهودی‌نشین پدید آمده بود که مهم‌ترین آن «یثرب» بود. در فدک و خیبر نیز یهودیان مستقر شده بودند و در میان برخی از قبایل عرب نیز پیروانی داشت روحانیون یهودی که خبر خوانده می‌شدند، در «بیت المدارس» به تدریس تورات و احکام شرعی می‌پرداختند و حتی در مواردی پاسخگوی سوالات یا داور نزاع و اختلافات اعراب بت پرست نیز بودند. (پیشوایی/۱۳۸۲/۷۲ - ۷۱، محرمی/۱۳۹۳/۳۱، فیاض/۱۳۸۲/۴۷، حتی/۱۳۸۰/۱۳۶، ابراهیم حسن/۶۴).

### بررسی موقعیت شهر مکه

مکه شهر کوچکی در منطقه حجاز بود که گرچه از کمبود آب، هوای گرم و بیماری‌هایی چون وبا رنج می‌برد، اما به دو دلیل از رونق اجتماعی و اقتصادی برخوردار بود: (مسعودی/۱۳۶۵/۶۸ - ۶۰، جواد علی/۱۹۷۶/۴/۱۶۱، حسن ابراهیم حسن/۱۳۹۲/۳۱).

۱: وجود خانه کعبه

۲: تجارت با شام و یمن (جعفریان/۱۳۸۱/۳۳، حتی/۱۳۸۰/۱۳۱، ابراهیم حسن/۶۰).  
در میان قبایل شبه جزیره عربستان، قریش به دلیل داشتن امتیاز سرپرستی خانه کعبه و تجارت با شام، از اهمیت، قدرت و اعتبار بیشتری برخوردار بود (ابن سعد/۱۴۱۸/۱، بلاذری/۱۹۵۹/۵۷، یعقوبی/۱۴۲۵/۱/۲۰۷). سود سرشار از تجارت و رباخواری و فقدان عدالت اجتماعی و اقتصادی روز به روز بر ثروت، رفاه و انواع آلودگی‌های اخلاقی بزرگان و روسای خانواده‌های بزرگ قبیله قریش می‌افزود (سوره بقره/۲۷۵-۲۷۸، زیدان/۱۳۹۲/۱۳۱-۱۵) و رنج و مشقت طبقات فرودست و به ویژه جمعیت رو به فزونی بردگان را افزایش می‌داد

### زندگانی پیامبر(ص) در یک نگاه

در همان سال که پیل سواران ابرهه به قصد تخریب خانه کعبه به مکه هجوم آوردند، در خانه عبدالمطلب بن هاشم، محترمتترین شخصیت قریش در آن روزگار، در روز جمعه ۱۷ ربیع الاول عام الفیل مطابق با ۵۷۰ م در شعب ابی طالب درخانه ای که بعد ها به خانه خیزران مشهور شد، نوزادی به دنیا آمد.

(جلسی/۱۳۶۳/۱۵/۲۴۸، طبرسی/۱۴۱۷/۱/۴۲، یعقوبی/۱۴۲۵/ج/۱۸/۲، مسعودی/۱۳۶۵/ج/۱۲۷/۴ فیاض/ ۵۴/۱۳۸۲)

او را محمد(ص) (ستوده) نامیدند. (راوندی/۱/۱۴۰۹، فیاض/۵۴،۷۰/ حتی/۱۴۱/۱۳۸۰، ابراهیم حسن/۶۸). پدرش عبدالله و مادرش آمنه بود. (زیدان/۲۰/۱۳۹۲، حتی/۱۴۱/۱۳۸۰) دوره کودکی خود را در بادیه، نزد زنی به نام حلیمه گذراند<sup>۱</sup> (زینی/۱/۱۴۲۱، ۵۵، مجلسی/۳۳۶۳/۱۵/۳۷۱، فیاض/۱۳۸۲/۵۵، ابن هشام/۱/۱۳۷۷/۱۶۲، طبری/۱/۲۷۴، ابن کثیرسیره نبویه/۱/۲۶۶، راوندی/۱/۱۴۰۹، ابراهیم حسن/۶۸) پس از درگذشت زود هنگام والدینش، دوران خردسالی و نوجوانی وی نزد پدر بزرگش عبدالمطلب، (ابن هشام/۱/۱۳۷۷، ۱۶۸، فیاض/۱۳۸۲/۵۵، حتی/۱۴۱/۱۳۸۰، زیدان/۲۰/۱۳۹۲) و پس از درگذشت وی در خانه عمویش ابوطالب، مرد کریم النفس قریش زندگی کرد. (یعقوبی/۱۴۲۵/۹-۱۰، حتی/۱۴۱/۱۳۸۰، زینی/۱/۱۴۲۱/۸۷) مردم مکه حضرت محمد(ص) را امین لقب داده بودند و در جامعه ای که پر از فساد، دروغ و آلودگی بود او را به صداقت و پاکدامنی می شناختند. (زیدان/۲۰/۱۳۹۲، ابن هشام/۱/۱۳۳-۱۳۴). همین صداقت، توجه بانویی عفیف و توانگر به نام خدیجه را به خود جلب کرد و او را با سرمایه خویش برای تجارت به شام فرستاد. این آشنایی به ازدواج پر برکتی انجامید که یکی از ثمرات آن تولد دختری به نام فاطمه(س) بود که در قرآن، کوثر<sup>۲</sup> لقب گرفته است. (طبری/۱/۳۲۰، فیاض/۵۷، ابن هشام/۱/۱۸۷، ابراهیم حسن/۶۹، یعقوبی/۱۴/۲، مجلسی/۱۴/۱۶، ابن ابی الحدید/۱۳۸۷/۴/۱۴-۱۵) حضرت محمد(ص) در پیمانی به «حلف الفضول» که برای دفاع از مظلومان و ضعیفان بسته شد، شرکت کرد و در واقعه نصب حجر الاسود نیز با دآوری سنجیده

<sup>۱</sup> - خانواده های ثروتمند ساکن شهرهای حجاز، برای ایمنی نوزادانشان از آلودگی های ناشی از بیماری های مسری مانند وبا و نیز برای آنکه کودکانشان با ویژگی های اخلاقی و لهجه اصیل عربی خو بگیرند، آنان را به دایه می سپردند تا در بادیه پرورش یابند.

<sup>۲</sup> - خیر فراوان یا چشمه ای پاکیزه



خود، اختلافی را که هر لحظه ممکن بود شهر را به آشوب و خون بکشاند فیصله داد. (ابن هشام/۱۳۳/۱-۱۳۴/۱، یعقوبی/۱۲/۲-۱۳، فیاض/۵۶، زینی/۱۰۸/۱، ابراهیم حسن/۶۹) حضرت محمد(ص) طبق سنت توحیدی حضرت ابراهیم از پرستش بت ها بیزار بود. (طبری/۲۰۸/۲).

#### ظهور اسلام «مرحله آغاز رسالت»

او گرچه در هر سال روزهایی را برای عبادت و تفکر در خلوت کوه جبل النور (غار حراء) می گذارند، ولی هیچگاه مانند راهبان، جامعه را ترک نکرد و از جریان زندگی مردم عادی دور نشد. سرانجام در یکی از همین لحظه های با شکوه خلوت خود، صدای فرشته وحی را شنید. و دوران نبوتش در سال ۶۰۹ م در سن چهل سالگی آغاز شد. (زینی/۱/۱۶۴، کلینی/۲/۱۳۶۳/۱۴۹، ابن هشام/۱/۲۳۹-۲۴۰، طبری/۲۰۸/۲، فیاض/۵۹-۶۰، حتی/۱۴۳-۱۴۴، مجلسی/۱۸/۶/۱۴۳، ۲۰۶/۴۷۱، زیدان/۲۱)

#### دعوت خاص: مرحله دعوت مخفی (محدود)

دعوت پیامبر(ص) در آغاز بر دو رکن اقرار به توحید و یگانگی خداوند و اعتقاد به روز رستاخیز استوار بود حضرت محمد (ص) مدت سه سال به دعوت پنهانی پرداخت (ابن هشام/۱/۲۸۰؛ طبری/۲/۲۱۶؛ مسعودی، مروج الذهب/۲/۲۷۵ - ۲۷۶؛ بلاذری/۱/۱۱۶؛ تاریخ یعقوبی/۲/۱۹، ابراهیم حسن/۷۳). زیرا هنوز محیط مکه برای دعوت آشکار مساعد نبود. او در این سه سال به صورت پنهانی با افرادی که احساس می کرد آمادگی فکری و روحی پذیرش آیین حق را دارند، تماس می گرفت و آنها را به یگانگی خدا و پرستش او و نبوت خویش دعوت می کرد. در این مدت قریش از ادعای او خبر داشتند و وقتی او را در معابر می دیدند می گفتند، جوان بنی عبدالمطلب از آسمان سخن می گوید (تاریخ یعقوبی/۲/۱۹؛ ابن سعد الطبقات الكبرى/۱/۱۹۹؛ بلاذری/۱/۱۱۵، زیدان/۱/۲۱). اما چون در مجامع عمومی سخن نمی گفت، از محتوای دعوتش خبر نداشتند، به همین علت عکس العملی نشان نمی دادند. نخستین ایمان آوردندگان به اسلام سه کس بودند؛ خدیجه(ع)، علی بن ابی طالب(ع) و زید بن حارثه، به تدریج و در طول این دوران هسته اولیه نهضت اسلام به نام السابقون شکل گرفت که پیشگامان توحید و اسلام در عربستان گردیدند.

افرادی که در این مرحله پس از شناسایی، دعوت شدند و اسلام را پذیرفتند از این قرارند: ابوبکر، زبیر بن عوام، عثمان بن عفان، سعد بن ابی وقاص ابوذر غفاری، یاسر، سمیه، عمار، بلال،

جعفر ابن ایطالب، خباب بن ارت، حمزه، عبدالله مسعود، ارقم بن ابی ارقم و.....(شهیدی/۱۳۵۹/۳۱/۱/مجلسی/۱۷۲/۱/عسقلانی/۳۰۷/۳/حتی/۱۴۴، طبری/۲۰۸/۲، تویسرکانی/۱۴۳/فیاض/۶۰-۶۱-ابراهیم حسن/۷۱-۷۴) شرایط زمانی و مکانی، موجب گردید که دعوت پیغمبر به صورت مخفی انجام گیرد. افرادی که زمینه پذیرش اسلام در آنها وجود داشت، مورد شناسایی قرار می گرفتند و سپس از طریق دوستان مسلمان آنان دعوت می شدند و به محضر پیامبر(ص)، آورده می شدند تا اظهار مسلمانی نموده و به جمع آنان بپیوندند. افرادی که ایمان می آوردند، تحت آموزش قرار می گرفتند تا به عنوان کادر ورزیده به تبلیغ پردازند و در آینده بتوانند مسئولیت های سنگین و خطیر را به خوبی انجام دهند و با مشکلات دست و پنجه نرم کنند.

تعدادی که در طی دعوت مخفی، مسلمان شدند به چهل نفر رسیدند که بیشتر آنان از طبقات پایین و متوسط جامعه بودند و همواره مورد آزار و اذیت و شکنجه مشرکان قریش قرار می گرفتند. (گروه پژوهشکده حوزه و دانشگاه/ ۱۴/۱۳۸۲، ابن هشام/۱/۲۸۰، مسعودی/۲/۲۷۵-۲۷۶، یعقوبی/۱۹/۲، طبری/۲/۲۱۶، زیدان/۱/۲۱) برخی شمار مسلمانان را در این مقطع زمانی قریب پنجاه نفر دانسته اند. (تویسرکانی/ ۱۴۲) محمد ابو زهره نظرش این است که در زمان دعوت پنهانی، تعداد مسلمانان به هشتاد و سه نفر رسید. (ابوزهره/ ۱۳۷۳/۱/۶۱۹) مشرکین کلیه رفت و آمدها را کنترل می کردند و به آزار مسلمین دست می زدند. پیامبر(ص) و یارانش به هنگام نماز و پرستش خدا، از مردم پنهان می شدند و در شکاف کوه ها و جاهای دور از رفت و آمد نماز می گزاردند.

اندک اندک اسلام در مکه پراکنده شد با آنکه مسلمان ها برای رفت و آمد به دره ها پناه می بردند و اصول پنهان کاری و تقیه را مراعات می کردند، روزی مشرکان ایجاد مزاحمت نموده و سعد بن ابی وقاص مجبور شد با استخوان فک شتر، مردی از مشرکان را زخمی کند. پس از این واقعه بود که پیامبر اکرم(ص) به یاران خود دستور داد تا در خانه ارقم بن ابی ارقم مخزوی بروند و در آنجا به عبادت مشغول شوند سرای ارقم نخستین پایگاه سری مسلمانان گردید. رسول خدا(ص) به صورت پنهانی با یاران خویش در سرای ارقم نماز می گزارد.

(شهیدی/۱۳۵۹/۱/۳۹، ابن اثیر/۲/۴۰، ابن هشام/۱/۳۴۲-۳۴۶) آنچه مسلم است، پناه بردن مسلمانان در خانه ارقم قبل از علنی شدن دعوت بوده و بعد از آن، دعوت شکل علنی به خود می

گیرد.<sup>۱</sup> (گروه پژوهشکده حوزه و دانشگاه/۱۳۸۲/۱۵-۱۶) این روش تبلیغی پیامبر، برای سران قریش حساسیت برانگیز نبود و چون روش پیامبر، تبلیغ گام به گام بود و از مرحله سری بودن به مرحله علنی گام نهاد، برخورد مشرکان نیز تغییر یافت. آنها موقعیت خدایان و منافع خویش را در خطر دیدند و به ساماندهی و بسیج توان خود اقدام نمودند.

### دعوت خویشاوندان: مرحله دعوت گسترده و شروع ارتباط گروهی تا هجرت به حبشه

سه سال از بعثت پیامبر (ص) و دعوت سری آن حضرت گذشته بود که آیه «و انذر عشیرتک الاقربین» نازل شد. (سوره شعرا/۲۱۴) باید از حلقه های کوچکتر و فشرده تر شروع می کرد و چه بهتر اینکه پیامبر (ص) دعوت را از بستگانش شروع کند، که هم سوابق پاکی او را بهتر از همه می شناسند و هم پیوند خویشاوندی نزدیک ایجاب می کند که به سخنانش بیش از دیگران گوش فرا دهند.

و از حسادتها و کینه توزیها و انتخاب موضع خصمانه، دورترند. (علامه طباطبایی/۱۳۶۱/۳۶۶/۱۵، عاملی/۷۷/۳، فیاض/۶۱، زیدان/۲۲/۱) پیامبر(ص) خویشاوندان خود را در خانه ابوطالب دعوت کرد. پس از صرف غذا هنگامی که پیامبر(ص) می خواست ماموریت خود را ابلاغ کند، ابولهب با گفته های خود زمینه را از میان برد، لذا فردای همان روز دعوت مجدد به عمل آمد و به آن ها غذا داده شد.

پیامبر(ص) بعد از صرف غذا فرمود: ای فرزندان عبدالمطلب! به خدا سوگند هیچ جوانی را در عرب نمی شناسم که برای قومش چیزی بهتر از آنچه من آورده ام آورده باشد، من خیر دنیا و آخرت را برای شما آورده ام و خداوند به من گفته که شما مرا در این کار یاری خواهید کرد، در دعوتی که جهت اعلان خطر برای خویشاوندان برگزار شده بود حدود ۴۵ نفر از سران بنی هاشم شرکت داشتند. (سبحانی / ۱۳۸۰/۱/۲۵۷، ابوزهره/۱۳۷۳/۱/۶۱۱، ابن اثیر/۶۳/۲، ابن ابی الحدید/۲۱۱/۱۳، مجلسی/۱۸/۱۷۸/۱۸۱/۱۹۱/۲۱۴، ابراهیم حسن/۷۴-۷۹) در این دعوت بود که صفیه و فاطمه همسر ابوطالب ایمان آوردند. جمعیت همگی سرباز زدند. علی(ع) که از همه کوچکتر بود برخاست و عرض کرد: ای پیامبر خدا! من در این راه یار و یاور توام، پیامبر(ص)

<sup>۱</sup>- در مدت دعوت مخفی، به خود سازی پرداخته می شد و افراد به پرستش خدای یگانه دعوت می گردیدند.

دست بر گردن علی(ع) نهاد و فرمود: «ان هذا اخی و وصیی و خلیقتی فیکم فاسمعوا له و اطیعوه» این برادر و وصی و جانشین من در بین شماست، سخن او را بشنوید و فرمانش را اطاعت کنید. پیامبر(ص) در ضمن اینکه خویشاوندان خود را به اسلام دعوت می کند به یکی از روشهای تبلیغی موثر نیز اقدام می نماید و آن روش، گزینش و معرفی همکار توانمند و قابل اعتماد است.<sup>۱</sup> مشرکین مکه به ابوطالب پیشنهاد کردند که ما یک نفر از خودمان را به تو می سپاریم و تو در عوض آن، محمد امین را به ما بسپار. یک مرتبه نزد ابوطالب آمدند و گفتند: «برادر زاده ات از خدایان به زشتی یاد می کند و از دین ما عیب جوئی می کند و به ما نسبت سفاهت می دهد و نیاکان ما را گمراه می شمارد، یا باید از او جلوگیری کنی یا او را به ما واگذاری.» ابوطالب کسی را نزد پیامبر(ص) فرستاد، تا حرف قریش را منتقل نماید پیامبر(ص) فرمود: «عمو! به خدا اگر خورشید را در دست راستم و ماه را در دست چپم بگذارند که این امر را رها کنم، رها نخواهم کرد، تا خدا نصرت دهد یا کشته شوم.» (مطهری /۱۳۷۷/ ۳۲۵، ابن هشام /۱/ ۲۹۳-۲۹۴/۳۱۵، زیدان /۱/ ۲۳).

#### دعوت علنی و عمومی: مرحله پس از هجرت گروهی مسلمانان به حبشه تاهجرت به مدینه

بعد از سه سال تبلیغ نهانی پیامبر(ص) آیه «فاصدع بما تومر و اعرض عن المشرکین» نازل شد. (سوره حجر ، ۹۴/ ) پیامبر(ص) روزی در کوه صفا، با صدای بلندی فریاد برآورد: «یا صباحاه» (عرب خبرهای وحشت انگیز را با این کلمه آغاز می کند). وقتی که تعدادی به حضور پیامبر جمع شدند، فرمود: ای مردم هرگاه من به شما گزارش دهم که پشت این کوه دشمنان شما موضع گرفته اند و قصد جان و مال شما را دارند آیا مرا تصدیق می کنید؟ همگی گفتند: ما در طول زندگی از تو دروغی نشنیده ایم. سپس فرمود: ای گروه قریش خود را از آتش نجات دهید. من برای شما در پیشگاه خدا نمی توانم کاری انجام دهم من شما را از عذاب دردناک می ترسانم. سپس افزود: موقعیت من همان موقعیت دیده بانی است که دشمن را از نقطه دوری می بیند و سریع برای نجات قوم خود به سوی آنان شتافته و با شعار مخصوص یا صباحاه آن ها را از پیشامد با خبر می سازد. (تویسرکانی / ۱۴۴ ، فیاض / ۶۱، حتی / ۱۴۵) با تغییر شرایط، دعوت رسول خدا(ص) علنی شد و

<sup>۱</sup> - حضور علی(ع) و سهیم شدن او در امر تبلیغ اسلام و حفظ و پاسداری از ارزشهای اسلامی بود، او در کنار پیامبر گرامی اسلام تأثیرات مثبتی داشته است.

سران شرک، موقعیت اقتصادی و سیاسی خودشان را در معرض تهدید و نابودی دیدند. به موازات دعوت پیامبر(ص) و افزایش تعداد مسلمانان، سران قریش به میزان تبلیغات خود افزودند و به انواع ترفند های تبلیغی دست زدند و به اذیت و آزار و ضرب و جرح مسلمانان به صورت وسیع پرداختند. مسلمانانی که وابستگی قومی به یکی از قبایل مقتدر مکه داشتند، کمتر مورد حملات فیزیکی قرار می گرفتند.

ولی برده هایی که تازه مسلمان شده بودند و یا از قبایلی بودند که قبیله شان ساکن مکه نبود و یا ضعیف بودند، همواره شکنجه می شدند. و با خطر جدی مواجه می گردیدند<sup>۱</sup> (زیدان/۱/۲۳، حتی/۱۴۵، فیاض/۶۲، ابن شهر آشوب/۱۴۰۵/۱/۲۳۵، یعقوبی/۱۷/۲، ابن هشام/۱/۲۷۰-۲۷۱، ابن اثیر/۱/۷۰) رسول اعظم(ص) برای حفظ جان مسلمانانی که در مکه تحت شکنجه جسمی قرار داشتند و توان حمایت از آنها وجود نداشت، دستور هجرت به حبشه صادر فرمود. چون پادشاه حبشه شخصی مسیحی و عدالت گستر بود.

سران قریش برای بازگرداندن مهاجران مسلمان، هیئتی را به همراه تحفه های فراوان نزد پادشاه حبشه فرستادند، که با بیانات زیبا و پر محتوای « جعفر بن ابی طالب » اثر گذاری آن بر شخص پادشاه، این عمل کفار مکه با شکست مواجه شد. (سوره نساء/۹۷، ابن هشام/۱۳۱۷-۳۱۹، مجلسی/۱۸/۴۲۰، ابن سعد/۱۳۶-۱۳۷، زیدان/۱/۱۴۵، فیاض/۶۲، ابراهیم حسن/۸۲-۸۵) یکی از اقدام های مهم مشرکین، پیمانی بود که به امضاء رساندند و آن را در خانه خدا آویختند. <sup>۲</sup> پیمان حاوی مطالبی بود چون، به فرزندان هاشم و عبدالمطلب زن ندهند و نگیرند، چیزی به آنها نغروشد و نخرند.

وقتی که مشرکین از بازگرداندن مهاجرین مسلمان از حبشه مأیوس شدند و دامنه تبلیغات پیامبر، روز به روز گسترده تر می شد، مشرکین خواستند تا مسلمانان را تحت فشار اقتصادی قرار داده و ارتباط آنها را با مردم قطع کنند. تا زمینه تبلیغی پیامبر محدود شود، اما مقاومت پیامبر و یارانش سبب سست شدن پیمان مشرکین گردید و نیز موریانه به جز نام خدا عهد نامه را از بین برده بود. (سبحانی/۱/۳۸۰، فیاض/۶۳، ابن سعد/۱/۱۰۰-۲۰۱، یعقوبی/۲/۲۰، ابن ابی الحدید/۳/۳۰۷، امینی/۱۳۷۴/۷/۳۳۰-۳۶۶، بلاذری/۱/۲۳۴، ابن هشام/۱/۳۷۷) در سال دهم

<sup>۱</sup> - عمار، یاسر، سمیه، بلال را شکنجه می کردند تا حدی که یاسر و سمیه در زیر شکنجه شهید شدند.

<sup>۲</sup> - محاصره اقتصادی

بعثت، ابوطالب و خدیجه(س) فوت نمودند و پیامبر(ص) دو نفر از یاران قدرتمند خود را از دست داد و از همین روی آن سال «عام الحزن» نامیده شد. بعد از فوت این دو نفر، سران قریش با جرات بیشتر، عرصه ی تبلیغ را به پیغمبر تنگ نمودند (ابن هشام/۲/۴۱۶، ابن سعد/۱/۲۱۱، مقریزی/۱۴۲۰/۲۷، بلاذری/۱/۴۰۴، طبری/۲/۳۴۱، فیاض/۶۳، زیدان/۱/۲۴، ابراهیم حسن/۸۶- (۸۷)

#### دعوت مردم یثرب در مراسم حج

پیامبر در ماه های حرام من جمله موسم حج به علت آن که از عدم تعرض بت پرستان مطمئن بود، در بازار عکاظ و مجبه و ذی المجاز، از فرصت استفاده می کرد و در نقطه بلندی قرار می گرفت، رو به مردم می فرمود: « به وحدانیت خدا اعتراف کنید، تا رستگار شوید، با نیروی ایمان می توانید زمام قدرت جهان را به دست گیرید و تمام مردم را زیر فرمان درآورید و در آخرت در بهشت برین جای گزینید.» ( شهیدی /۱۳۵۹/۱/۴۴، ابن کثیر/۲/۸۰، فیاض/۶۴-۶۶، یعقوبی/۲/۲۵) گاهی میان یهودیان و عرب های بت پرست شهر مدینه نزاع در می گرفت و یهودیان به اعراب می گفتند: «بزودی پیامبری از نژاد اسرائیل خواهد آمد و سرپرستی ما را به عهده خواهد گرفت و ما بر شما ریاست خواهیم یافت.» دین ترتیب زمینه ظهور پیامبر در ذهن مردم یثرب آماده بود. ( شهیدی /۱۳۵۹/۱/۴۵، ابن هشام/۲/۴۳۰-۴۳۵) ملاقات پیامبر(ص) با چند نفر از قبیله خزرج در موسم حج سال ۱۱ بعثت بود. چون آنها شنیده بودند که پیامبری از بنی اسرائیل ظهور خواهد کرد، آیین اسلام را قبول نموده به مدینه بازگشتند و به تبلیغ همت نمودند. (سبحانی /۱۳۸۰/۱/۴۰۵، فیاض/۶۷)

در همه جای مدینه صحبت از پیامبر و آئین او بود. ( شهیدی /۱۳۵۹/۱/۶۵) در سال ۱۲ بعثت و به هنگام حج ۱۲ نفر از مردم یثرب، در عقبه (بین منا و مکه است) با پیامبر ملاقات و بیعت نمودند و نخستین پیمان اسلامی بسته شد. بیعت آنان این بود که برای خدا شریک قائل نشوند، دزدی نکنند، زنا نکنند، فرزندان خود را نکشند، برکسی تهمت نزنند، در کارهای خیر که محمد(ص) دستور می دهد از او اطاعت کنند. پیامبر(ص) فردی به نام مصعب بن عمیر، را همراه آنان به یثرب فرستاد تا قرآن را به مردم تعلیم دهد و ضمناً می خواست از وضع شهر و مقدار استقبال مردم از اسلام مطلع شود در سال ۱۳ بعثت، دومین پیمان عقبه منعقد گردید.

هفتاد و سه نفر بیعت کردند که دو نفرشان زن بودند. بیعت آنان این چنین بود که، به یاری او با دشمنان خدا پیکار کنند و این بیعت را بیت الحرب نامیدند و پس از این بیعت بود که پیامبر به مسلمانان اجازه داد تا به یثرب بروند. (سبحانی / ۴۷/۱/۱۳۸۰ ، طبری/۲/۲۳۴، فیاض/۶۸، حتی/ ۱۴۷) در همه این شرایط سخت و دشواری که پیامبر به تبلیغ می پرداخت و از فرصت ها استفاده بهینه می نمود، همواره مورد تعقیب سران قریش به ویژه، تعقیب ابو لهب قرار داشت. گاهی پیامبر(ص) مشغول سخن گفتن بود که ابولهب از پشت سر ظاهر می شد، و می گفت: مردم سخن او را باور نکنید، زیرا او با آئین نیاکان شما سر جنگ دارد و سخنان او بی پایه است. مخالفت وی، تبلیغات حضرت را درباره سران قبایل کم اثر می نمود و با خود می گفتند: اگر آیین وی صحیح و ثمر بخش بود، هرگز فامیل او با او به جنگ بر نمی خواستند. (شهیدی/۴۷/۱/۱۳۵۹ ، ابراهیم حسن/۸۸-۹۵)

#### هجرت پیامبر به یثرب (برای تبلیغ ودعوت مردم یثرب)

هنگامی که سران قریش از موفقیت های پیامبر(ص) در مدینه اطلاع یافتند، احساس خطر نمودند و در «دار الندوه» طرح قتل پیامبر(ص) را ریختند و در نتیجه پیامبر(ص)، مکه را به قصد مدینه ترک گفت. پیامبر (ص) در روز جمعه به تاریخ دوازدهم ربیع الاول سال چهاردهم بعثت برابر با بیست و چهارم سپتامبر سال ۶۲۳ میلادی وارد قبا شد و نماز جمعه را با اصحاب خود به جا آورد و خطبه بلیغی خواند.

پیامبر(ص) در مدینه روش هایی را برای تبلیغ اسلام دنبال نمود، که از جمله آن فرستادن نامه برای سران کشورها و قبایل، اعزام مبلغ، مذاکره با نمایندگان اقوام و مذاهب، تهیه و امضاء معاهدات بود، (تویسرکانی/۱۸۸، حموی/۵/۸۶، مجلسی/۹۹/۱۹، ۱۰۳ یعقوبی/۲/۲۷، زیدان/۱/۲۵، حتی /۱۴۷، فیاض/۶۸-۶۹)

#### تدریجی بودن دعوت اسلامی

این که خداوند پیامبر (ص) را به دعوت و تبلیغ تدریجی و گام به گام فرمان داد، از آن جهت بود که دعوت و تبلیغ ایشان توأم با موفقیت باشد.

**الف:** از نظر معارف و قوانین الهی، قوانین الهی به گونه ای تشریح شده که هر کدام شأنی از شئون جامعه بشری را اصلاح می کند و یا ریشه ی یکی از مبادی فساد را قطع می نماید. تعویض

عقاید باطل و جایگزین کردن عقاید حقه، دشوارترین کار است؛ (مانند ایام العرب، یازنده به گور کردن دختران) به‌ویژه که آن عقاید باطل، در اخلاق و اعمال آنان ریشه دوانده و قرن‌ها بر آن بگذرد. دشواری وقتی بیشتر می‌شود که عقاید دین حق، عام و مطلق بوده و بخواهد تمامی شئون زندگی آن مردم را دربرگرفته و متحول نماید، تصور ایجاد چنین انقلابی در عقاید عموم مردم و بلکه در همه امور زندگی آنها به نظر محال می‌آید. دعوت دین اسلام، در بخش عقاید، بدون هیچ ترس و واهمه‌ای همه‌ی عقاید حقه را دفعتاً پیشنهاد کرد، اما قوانین مربوط به اعمال را تدریجی و در طول بیست و سه سال نزول وحی بیان نمود. انتخاب راه تدریج در القاء دعوت اسلامی بدان جهت بود که طبع مردم از آن گریزان نباشد. گواه این حرف تفاوت لحن آیات مکی و مدنی است. در آیات مکی نوعاً مطلب کلی و مجمل بیان شده است، در حالی که در آیات مدنی جزئیات و تفصیل همان احکام شرح داده شده است. اتخاذ روش تدریج امکان قبول دین را فراهم ساخت.

**ب:** رعایت تدریج در انتخاب مدعوین؛ با این‌که آیات قرآن تصریح می‌کند که دعوت پیامبر (ص) جهانی و دین اسلام همگانی است، اما در انتخاب مردم راه تدریجی و سیاست مرحله به مرحله را پیش گرفت، چه این‌که امکان نداشت یک‌باره تحول عظیم همگانی و جهانی پدید آید و شرک و فساد را یک‌جا از جهان ریشه‌کن نماید. از این‌رو دعوت خود را در میان بخش کوچکی از مردم آغاز نمود و اندک‌اندک بر قلمرو دعوت افزود. ابتدا قوم و عشیره‌ی نزدیک خود را به اسلام فراخواند. (سوره شعرا، ۲۱۴) آنگاه مردم محیط مکه و اطراف را (سوره شوری، ۷) و در نهایت همه‌ی جهانیان را به اسلام دعوت نمود، «قل یا أَيُّهَا النَّاسُ اِنِّي رَسُولُ اللّٰهِ لِيَكُم جَمِيعًا»

**پ:** تدریج در دعوت، ارشاد و کیفیت اجرا و عملی کردن دعوت؛ از این نظر اسلام دعوت خود را در سه مرحله سامان داد:

دعوت زبانی، کناره‌گیری و مبارزه‌ی منفی، جهاد و توسل به زور

**دعوت زبانی،** روش و شیوه‌ای است که در سراسر قرآن کریم مشهود است. آیات فراوانی به رسول اکرم (ص) دستور می‌دهد که با ملاحظت و نرمی و زبان خوش دعوت خود را به گوش مردم برساند «قل اِنَّمَا اَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ» (سوره کهف، ۱۱۰) و «اخْفِضْ جَنَاحَكَ لِلْمُؤْمِنِينَ (سوره حجر، ۸۸)» و «لا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ اَحْسَنُ فَاِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَاَنَّهُ وَلِيٌّ



حمیم) (سوره فصلت، ۳۴) همچنین به ایشان دستور می‌دهد که در دعوت زبانی فنون بیان را به کار گیرد و در همه جا به مقتضای فهم و استعداد شنونده سخن بگوید.

**دعوت سلبی یا مبارزه‌ی منفی**، عبارت بود از این که به مؤمنین دستور داد که در دین و رفتار خود از کافران کناره‌گیری کنند و در تشکیل جامعه‌ی اسلامی کفار را جزء خود ندانند، و دین غیر موحد را با دین خود مخلوط نسازند، «لکم دینکم ولی دین»  
**جهاد اسلامی**، که به عنوان وسیله‌ی دفع موانع در مقابل فراگیری حق قرار گرفت.

### نتیجه‌گیری

با ظهور اسلام توسط پیامبر(ص) تغییراتی اجتماعی در جزیره العرب آغاز شد و پس از مدتی جامعه‌ی بدوی عربستان، مردمی که بیشتر آنها بیابان‌گرد بوده و شهرنشینان آن نیز در مکه و مدینه زندگی ابتدایی داشتند به یکی از پیشرفته‌ترین جوامع آن عصر تبدیل گردید. دیری نپایید که این جامعه‌ی بدوی در حال انقراض و نابودی، به جامعه‌ای تبدیل شد که نهادهای مدنی در آن شکل گرفت و رفتار مردم منطبق بر قانون گردید. پیامبر بزرگوار اسلام (ص) و یاران خاص ایشان، با تحمل رنج‌هایی فراوان، به کالبد بی‌جان جامعه خویش روح دین را دمیدند و با تحمل سختی‌های فراوان به اصلاح ساختار جامعه‌ی خود پرداخته و با بهره‌گیری از عنصر دعوت و تبلیغ، باورها و ارزش‌های متداول و رسوم آن جامعه را دگرگون ساختند. روشی را که پیامبر (ص) برای دعوت مردم به اسلام و تبلیغ رسالت خود در پیش گرفت و توانست از مردم یکی از عظیم‌ترین تمدن‌های بشری را به وجود آورد، دعوت رسول خدا(ص)، با برنامه‌ای مدون صورت گرفته که به تناسب نزول تدریجی آیات، تنظیم گردیده بود، آموزه‌ی مهمی که از این حرکت نبی اکرم(ص) به دست می‌آید، این است که دعوت به حق، باید تدریجی، همگام با تکامل اندیشه‌ها صورت گیرد. ایستایی در حرکت دعوت هرگز با عمق رسالت پیامبر سازگاری و انطباق ندارد و در پرتو آن است که تکامل خردها، ایمان‌ها و عقیده‌ها رخ می‌دهد.

**منابع و کتابشناسی**

- قرآن
- نهج البلاغه
۱. آلوسی، ابو الفضل شهاب الدین محمود؛ بلوغ الارب، تحقیق محمد بهجه الاثری، قاهره، دارالکتب الحدیثه، ۱۹۹۲م.، الطبعة الاولى
۲. آینه‌وند، صادق، تاریخ سیاسی اسلام، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۲.
۳. ابراهیم حسن حسن، تاریخ سیاسی اسلام، ترجمه ابوالقاسم پاینده، چاپ چهارم، تهران، جاویدان، ۱۳۹۲
۴. ابن اثیر، عزالدین علی بن محمد، تاریخ کامل، ترجمه دکتر محمد حسین روحانی، تهران، توس، ۱۳۰۲ ه.ق
۵. ابن خلدون، عبدالرحمن؛ مقدمه، ترجمه محمد پروین گنابادی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، چاپ چهارم، ۱۹۸۸
۶. ابن سعد، طبقات کبری، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۸ق
۷. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، شرح نهج البلاغه، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره، دارالاحیاء الکتب العربیة، ۱۹۶۱م.، الطبعة الاولى
۸. ابن کثیر، البدایه والنهایه، بیروت مکتبه المعارف بی تا، ۱۹۶۶
۹. ابن حجر عسقلانی، شهاب الدین بن علی، الاصابه فی تمییز الصحابه، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، 1328ه.ق
۱۰. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۰۵ ق
۱۱. ابن هشام، سیرت رسول الله، ترجمه رفیع الدین اسحاق بن همدانی قاضی ابرقوه، با تصحیح اصغر مهدوی، دو جلد، تهران انتشارات خوارزمی ۱۳۷۷ش
۱۲. ابوالقاسم اجتهادی، وضع مالی و مالیه مسلمین، چاپ اول، تهران، انتشارات صدا و سیما، ۱۳۶۳ش
۱۳. ابو زهره محمد، خاتم پیامبران، ترجمه حسین صابری، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، چاپ اول ۱۳۷۳ش
۱۴. اسماعیلی، مهدی، «جاهلیت»، دائره المعارف قرآن کریم، تهیه و تدوین پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی و مرکز فرهنگ و معارف قرآن، قم، مؤسسه بوستان کتاب، چاپ اول، ۱۳۹۱ ش

۱۵. احمد بن زینی ،دحلان ،السیره النبویه ،بیروت دارالفکر، ۱۴۲۱
۱۶. امینی علامه ،الغدیر، تهران، دارالکتب الاسلامیه چاپ ۶، ۱۳۷۴ش
۱۷. بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، تحقیق: محمد حمیدالله، مصر، دارالمعارف، ۱۹۵۹ م.
۱۸. بلاذری احمد بن یحیی، فتوح البلدان، دارالکتب العلمیه، ۱۳۹۸ق
۱۹. پژوهشی در سیره نبوی ، گروه پژوهشکده حوزه و دانشگاه، شرکت چاپ و نشر بین الملل وابسته به موسسه انتشارات امیرکبیر، چاپ اول ، زمستان ۱۳۸۲ش
۲۰. تویسرکانی محمد رضا الگوی برتر: شیوه مبارزه پیامبر اکرم (ص) با مفاسد اجتماعی ، انتشارات آرام دل ، تهران ، ۱۳۸۵ش
۲۱. پیشوایی، مهدی، تاریخ اسلام، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۸۲ش
۲۲. پیرنیا، حسین، تاریخ ایران، تهران، بهزاد، ۱۳۸۳ش
۲۳. جواد علی، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، بیروت، دارالعلم للملایین، ۱۹۷۶ م.
۲۴. جعفریان، رسول، آثار اسلامی مکه و مدینه، تهران، نشر مشعر، ۱۳۸۱ش
۲۵. حتی، فیلیپ، تاریخ عرب، تهران، آگاه، چاپ اول، ۱۳۶۶ش
۲۶. سالم عبدالعزیز ، تاریخ عرب قبل از اسلام، ترجمه باقر صدری نیا، چاپ اول، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی ۱۳۸۰ش
۲۷. سبحانی جواد علی ، جعفر، فروغ ابدیت، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ سیزدهم، زمستان ۱۳۷۶ ش
۲۸. شهیدی سید جعفر، تحلیلی از تاریخ اسلام، نهضت زنان مسلمان ، تهران ، ۱۳۵۹ش
۲۹. راوندی قطب الدین، الخرائج والجرایح، قم، موسسه الامام مهدی (عج)، ۱۴۰۹ق
۳۰. زیدان جرجی ،تاریخ تمدن اسلام، ترجمه علی جواهر کلام، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۹۲ش
۳۱. علم الهدی، محمداقرا، خورشید اسلام چگونه درخشید؟ تهران، انتشارات میقات، چاپ اول، تابستان ۱۳۷۹ ش.
۳۲. عاملی، جعفر مرتضی، سیرت جاودانه: ترجمه و تلخیص کتاب الصحیح من سیره النبی الأعظم (ص)، ترجمه محمد سپهری، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۴ ش
۳۳. علامه طباطبایی ،تفسیر نمونه ، دارالکتب الاسلامیه ، تهران ، ۱۳۶۱ش

۳۴. فیاض، علی اکبر، تاریخ اسلامموسسه انتشارات وچاپ دانشگاه تهران، چاپ ۱۴، ۱۳۸۲ش
۳۵. فروخ عمر، تاریخ الجاهلیه، بیروت، دارالعلم للملایین، الطبعة الاولى، ۱۹۸۴م.
۳۶. قاسمی حامد، مرتضی، درسهایی از زندگی پیامبران اولوالعزم، تهران، انتشارات ماشی، چاپ اول، ۱۳۸۹ ش.
۳۷. طبرسی، فضل بن حسنمکارم الاخلاق، بی‌جا، منشورات شریف الرضی، چاپ ششم. ۱۳۹۲ه
۳۸. طبری محمد بن جریر، تاریخ طبری، ترجمه توسط ابو القاسم باینده چاپ اول، نشر اساطیر ۱۳۵۲ ش
۳۹. طبرسی اعلام الوری، قم، موسسه آل البيت الاحیاء التراث، ۱۴۱۷ق
۴۰. مسعودی، علی بن حسین، مروج الذهب، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۵.
۴۱. محرمی غلامحسن، سیره پیامبر اعظم(ص)، انتشارات پرتو ولایت، چاپ ۳، ۱۳۹۳
۴۲. مجلسی محمد باقر، بحار الانوار، تهران دارالکتب اسلامیة ج ۳، ۱۳۶۳ش
۴۳. مطهری تبلیغ و مبلغ، به کوشش عبد الرحیم موگهی، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، چاپ اول: ۱۳۷۷
۴۴. مقریزی، امتاع الاسماع، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ ۱، ۱۴۲۰ق
۴۵. ن. ویگولوسکایا، اعراب حدود مرزهای روم شرقی و ایران، ترجمه عنایت الله رضا، چاپ اول، تهران مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۷۲
۴۶. کلبی، هشام بن محمد، الاصنام، تحقیق: احمد زکی پاشا، تهران، نشر تابان، ۱۳۴۸ ش.
۴۷. کلینی، محمد بن یعقوباصول کافی، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه. ۱۳۶۳ش
۴۸. یعقوبی ابن واضح، تاریخ یعقوبی ترجمه، محمدابراهیم آیتی، تهران، ۱۳۴۱ ش
۴۹. واقدی، محمد بن سعد؛ المغازی تحقیق مارسدن جونس، بیروت، مؤسسه الاعلمی، ۱۹۸۹م.، الطبعة الاولى

